

رسیدن به توحید چگونه ممکن است؟ راهنمای ما در این مسیر کیست؟

Mentazer Mentazer

آیا می‌توانیم به تنهایی مسیر رسیدن به توحید را طی کنیم؟

ما هرچقدر هم که خود را نسبت به مسائل دینی بی تفاوت و بی علاقه نشان دهیم، نمی‌توانیم نسبت به اینکه چه کسی ما را خلق کرده و رابطه ما با او چگونه تعریف می‌شود، بی تفاوت باشیم، یعنی بخواهیم یا نخواهیم رسیدن به توحید از اصولی است که جهان بینی ما و دیدگاهی که نسبت به مسائل مختلف داریم، با آن گره خورده و این موضوع بر تمامی انتخاب‌ها، ارتباط‌ها، تصمیمات و سبک زندگی ما سایه می‌افکند. درحقیقت توحید زیربنا و نخ تسبیحی است که به تمام جنبه‌های زندگی، اهداف و فعالیت‌های ما معنا می‌دهد و بدون داشتن درکی درستی از آن، زندگی ما مجموعه‌ای از امور پوچ و بی‌اهمیت خواهد شد.

بدون درک توحید با خاصیت باشگاهی دنیا آشنا نبوده و دلیل رنجها و بلاهایی که با آن مواجه می‌شویم را نخواهیم دانست؛ به همین دلیل هم به راحتی دچار مقایسه و مسابقه شده و یا به ورطه ناامیدی و افسردگی می‌افتیم؛ یا به خاطر اینکه ارتباطی با خالق خود و کمال مطلق و هستی بی‌نهایتی که در همه چیز جاری است نداریم، خلقت خود را بیهوده دانسته و کل زندگی مان را در بهت و گیجی و با بی‌انگیزگی می‌گذرانیم.

رسیدن به هدف خلقت و شباهت با الله وقتی برای ما مطرح می‌شود که ابتدا الله را به عنوان وجود، هستی و کمال مطلق پذیرفته باشیم و این پذیرفتن، خواه ناخواه برای ما قالب و سبک خاصی از زندگی را ایجاد می‌کند. الله خالق است که ما را آفریده و به تمام زوایای وجودی ما آگاه است و ما به عنوان کسی که به او معتقدیم، نمی‌توانیم نسبت به جهانی که به محوریت ما خلق کرده و برنامه‌ای که برای رسیدن ما به سعادت تعیین کرده است، بی تفاوت باشیم. توحید درواقع یعنی رسیدن به وحدت وجود؛ یعنی هرچه در عالم وجود دارد، هستی یکپارچه‌ای است که فهم، درک و حرکت به سوی این هستی یکپارچه به معنی حرکت به سمت هدف خلقتمان، قرار گرفتن در مجرای توحید و نهایتاً رسیدن به توحید است.

## مهمترین نیاز ما

اما مسئله اینجاست که ما به تنهایی توانایی رسیدن به توحید و درک این هستی یکپارچه و بی‌نهایت یعنی الله را نداریم و درواقع تا این هستی بی‌نهایت برای ما ظهور و بروز نداشتت باشد، نمی‌توانیم او را بشناسیم. ما نیاز به الگو و مثالی داریم که جلوه‌ کاملی از خدا بوده و اسماء و صفات کمال مطلق را در قالب یک کالبد انسانی و قابل فهم برای ما به نمایش بگذارد؛ همان طور که در درس‌های گذشته هم به آن اشاره کردیم، این مثل اعلی و نمونه کامل همان متخصص معصوم است.

خدا هم الگو و نمونه عالی و کاملی از خود و آنچه را برای شباهت به اسماء و صفاتش لازم داریم، برای ما فراهم کرده است و هم متخصص معصومی که ما را در رسیدن به این شباهت یاری دهد، برایمان قرار داده است. متخصصی که علاوه بر آگاهی از مسیر رسیدن به توحید و فراز و نشیب‌های آن، دارای کالبدی انسانی است و از همه مهم‌تر در انجام این رسالت و مسئولیت دچار اشتباه و خطا نمی‌شود.

رسیدن به توحید و هدف خلقت جز با گذشتن از مجرای دنیا ممکن نیست. شبیه شدن به الله نیاز به مقدمات و دانش‌هایی دارد که وجود مادی و محدود ما از آن بی‌خبر است. متخصص معصوم یعنی کسی که عهده‌دار هدایت ماست، نماینده الله و به عبارت دیگر خلیفه الله است. از همین رو به مجموعه‌ای از اطلاعات تخصصی در مورد زندگی و حیات ما دسترسی دارد که تنها در اختیار و کنترل خالق ما یعنی الله است. اطلاعاتی در مورد مراحل قبل از دنیا، جسم و روح ما، رابطه میان جسم و روحمان، عالم طبیعت، رابطه‌ای که عالم طبیعت با جسم و روح ما دارد و عالمی که بعد از دنیا قرار است به آن بازگردیم؛ پس ما برای رسیدن به الله، شباهت با او و رسیدن به توحید و قرار گرفتن در مجرای آن، راهی به جز کمک گرفتن و پیروی از متخصص معصوم نداریم.

## راه شناخت توحید

در درس‌های گذشته متوجه شدیم که انسان مجموعه‌ی جامعی است که تمام اسماء و صفات الله را بطور بالقوه در خود دارد؛ پس با این وجود با فهم ویژگی‌های وجود خود شناخت خدا هم ممکن می‌شود، اما شناخت خدا با کسب شباهت به خدا دو موضوع متفاوت است. ما ممکن است از نظر عقلی خدا را شناخته باشیم، اما کسب شباهت به خدا محصول عشق به خداوند است. نکته اینجاست که ما نمی‌توانیم عاشق خدایی شویم که تنها از نظر عقلی وجودش را باور کرده ایم؛ بستر عشق قلب است و در نتیجه اگر مصداقی انسانی که تمام صفات خدا را به صورت بالفعل در وجود خود داشته باشد تا بتوانیم با او عاشقی کنیم نداشته باشیم؛ هیچ‌گاه به عشق ورزی با خدا هم نخواهیم رسید.

بدون داشتن مثال و الگو در شناخت ویژگی‌ها، اسماء و صفات خدا دچار ابهام می‌شویم؛ چون می‌خواهیم بین ویژگی‌های بالقوه و ناشناخته خودمان با ویژگی‌های موجودی بی‌نهایت و ناشناخته ارتباط برقرار کنیم، که امری محال است؛ زیرا امکان برقراری رابطه بین دو مجهول وجود ندارد و هر تصویری که در این بین داشته باشیم، چیزی به جز وهم و خیال ما نیست؛ پس در این میان وجود واسطه‌ای که هم ما بتوانیم با او ارتباط برقرار کنیم و هم کامل‌ترین مظهر اسماء و صفات خداوند باشد، ضروری است؛ در حقیقت ما نیاز به کسی داریم که کامل‌ترین جلوه از ظهورات الله باشد و این جلوه کامل کسی جز مثل‌اعلی یا متخصص معصوم نیست.

پس متخصص معصوم کسی است که رابطه ما را با خدا تنظیم می‌کند. خدا بُعد اصلی و انسانی ما را از جنس بی‌نهایت آفریده و غایت و کمالمان را در شباهت به عالی‌ترین جلوه و ظهور خودش یعنی متخصص معصوم قرار داده است؛ پس تنها کسی که می‌تواند ما را به مقام شباهت با الله رسانده و مسیر رسیدن به توحید و قرار گرفتن در مجرای آن را برایمان هموار کند، شبیه‌ترین انسان به خدا یعنی متخصص معصوم است. توحید بدون متخصص معصوم یک توحید توهمی و خیالی است چون اساساً کسی که نماینده و مظهر خدا را نشانسد، درک درستی از اسماء و صفات خدا هم نخواهد داشت؛ درواقع خدایی که ظهور ندارد

و به صورت موجودی بی نهایت و ناشناخته در ذهن ماست، با خدای حقیقی و کمال مطلق فرسنگ‌ها فاصله دارد.

ما در این درس مسیر رسیدن به توحید را بررسی کردیم. گفتیم که شناخت الله و بی نهایت مطلق که در کل هستی جاری است، بدون رجوع به جلوه کاملی از اسماء و صفات او ممکن نخواهد شد. ما برای رسیدن به توحید و قرار گرفتن در مجرای آن نیاز به متخصص معصوم داریم؛ یعنی فردی که آیینۀ تمام‌نمایی از اسماء و صفات خدا بوده و بهترین الگو و راهنمای ما در این مسیر می‌باشد.

شما چقدر نقش متخصص معصوم را در شناخت الله ضروری می‌دانید؟ به نظر شما آیا رسیدن به توحید و وحدت وجود بدون وجود متخصص معصوم ممکن است؟